

داستان‌های نفس‌گیر!

مرجان فولادوند

انتشارش بی‌نهایت محبوب شد. چند سال بعدش «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» (نگوید که عضویکی از کتابخانه‌هایش نیستید!) این سه‌گانه را در ایران ترجمه و منتشر کرد. به حرفم اعتماد کنید، هر کسی که در این همه سال این کتاب‌ها را خوانده، و از آن‌ها لذت برده، هیچ وقت نتوانسته است فراموششان کند. این کتاب‌ها آن قدر مورد علاقهٔ بچه‌ها بوده‌اند که کانون پرورش فکری همین سال گذشته آن‌ها را بعد از ۴۵ سال که از چاپ اولشان می‌گذرد، تجدید چاپ کرد. منتقد‌ها می‌گویند، این سه‌گانه برای همهٔ نسل‌ها کتابی خواندنی است و کهنه و قدیمی نمی‌شود (شاید چون همیشه چیزهایی شبیه سه‌پایه‌ها هستند که با کلاهک‌های کنترل مغزشان، دور و بر چهارده ساله‌ها می‌پلکنند! شما یکی از آن‌ها را ندیده‌اید؟) کتاب اول این سه‌گانه «کوه‌های سفید» از ماجرای جشن کلاهک‌گذاری شروع می‌شود و فضای جالب و هیجان‌انگیزی دارد. کتاب دوم «شهر طلا و سرب» در شهر سه‌پایه‌ها اتفاق می‌افتد و ماجرایش واقعا نفس‌گیرند. کتاب سوم «برکهٔ آتش» اوج ماجرا و پایان آن است.

رمان «نگهبان‌ها» را (که باز کانون پرورش فکری منتشر کرده است) جان کریستوفر ۲۰ سال بعد نوشت، اما ماجرای کتاب قبل از داستان «کوه‌های سفید» اتفاق می‌افتد؛ یعنی وقتی که سه‌پایه‌ها به زمین هجوم آوردند. پس می‌توانید آن را قبل از سه‌گانهٔ اصلی بخوانید.

این سه‌گانهٔ فوق‌العاده را ناشران دیگر هم چاپ کرده‌اند. شما برای خواندنش هم می‌توانید آن را از کتاب‌فروشی‌ها بخرید یا عضو کتابخانه‌های کانون شوید یا نسخهٔ الکترونیک آن را از سایت «کتابک» با قیمت مناسب دانلود کنید. هر چند لذت دراز کشیدن زیر پتو و ورق زدن کتاب چیز دیگری است!

همهٔ ۱۴ ساله‌ها هیجان زده‌اند. جشن کلاهک‌گذاری است و قرار است بهترین دخترها و پسرها انتخاب بشوند. فقط آن‌ها که در مسابقه‌ها اول می‌شوند، می‌توانند جایزهٔ بزرگ را بگیرند. جایزه رفتن به شهر طلا و سرب و خدمت به سه‌پایه‌هاست. این آرزویی است که همهٔ بچه‌ها با آن بزرگ می‌شوند...

این ماجرای کتاب‌های سه‌گانهٔ **جان کریستوفر** است؛ وقتی سه‌پایه‌ها زمین را گرفته‌اند و ۱۴ سالگی همهٔ مردم دنیا با جشن کلاهک‌گذاری شروع می‌شود. کلاهک‌هایی که برای ابد ذهن آن‌ها را کنترل می‌کند و از آن‌ها برده‌های گوش به فرمان و البته بسیار راضی و خوش حال می‌سازد. سه‌پایه‌ها خیالشان راحت است، چون مردم کلاهک‌دار خودشان مواظب هم هستند و اجازه نمی‌دهند کسی از دستورات سه‌پایه‌ها سرپیچی کند.

با این همه، **ویل و پسر عمویش هنری** از جشن فرار می‌کنند و می‌فهمند در کوه‌های سفید کسانی هستند که نمی‌خواهند بردهٔ خوش حال سه‌پایه‌ها باشند. آن‌ها با **بین پل** آشنا می‌شوند. (خب، با اینکه ویل شخصیت اصلی است، اما بین پل با آن قد دراز و بینی بزرگ و چشم‌های نزدیک‌بینش شخصیت مورد علاقهٔ من است.)

این سه‌گانه حدود ۵۰ سال پیش، وقتی هنوز هیچ کدامان به دنیا نیامده بودیم، نوشته و در همان اولین سال

